



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

فی السُّوقِ در بازار

أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟ أَي مَادِرْحَمِيد: كجا رفتی؟ - ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النَّجَفِ. به بازار نجف رفتم.

هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟ آیا چیزی خریدی؟ - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ الْمَلَابِسَ النِّسَائِيَّةَ. بله، لباس های زنانه را خریدم.

أَذَهَبْتَ وَحَدَكِ؟ آیا به تنهایی رفتی؟ - لا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي. نه، با دوستانم رفتم.

كَيْفَ كَانَتِ الْمَلَابِسُ؟ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟ لباس ها چگونه بودند؟ ارزان یا گران.

-مِثْلَ إِيرَانَ. لا فَرْقَ. لَكِنْ اشْتَرَيْتُ. مانند ایران. تفاوتی ندارد ولی خریدم.

فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟ پس برای چه خریدی؟ - اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ. برای هدیه خریدم.

مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟ چه چیزی خریدی؟ - فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً. دامن و چادری

مَبْرُوكٌ. مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ فِي أَمَانِ اللَّهِ. مبارک است. لباس های زیبایی است! خدا حافظ

شُكْرًا جَزِيلًا. مَعَ السَّلَامَةِ. بسیار متشکرم. به سلامت



أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟ أَي مَادِرْحَمِيدٍ كَجَا رَفْتِي؟ - ذَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجْفِ بِه بَازَارِ نَجْفٍ رَفْتُمْ.

هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟ أَيَا شَيْءٍ خَرَيْتِي؟ - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ الْمَلَابِسَ رَجَالِيَّةً.. بَلِه، لِبَاسِ هَاي مَرْدَانِه رَا خَرَيْدُمْ.

أَذَهَبْتَ وَحَدَكْ؟ أَيَا بِه تَنْهَائِي رَفْتِي؟ - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.. نِه، بَا دُوسْتَانِم رَفْتُمْ.

كَيْفَ كَانَتْ الْمَلَابِسُ؟ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟ لِبَاسِ هَا چِگونِه بُودَنْد؟ اِرْزَانِ يَا گِرَانِ. - مِثْلَ اِیْرَانِ. لَا فَرْقَ. لَكِنْ اشْتَرَيْتُمْ. مَانَنْدِ اِیْرَانِ. تَفَاوْتِي نِدَارْدِ وِلِي خَرَيْدِيمِ.

فَلَمَّاذَا اشْتَرَيْتَ؟ پَسِ بَرَايِ چِه خَرَيْدِي؟ - اشْتَرَيْتُمْ لَلْهُدِيَّةِ. بَرَايِ هَدِيَه خَرَيْدُمْ.

مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ چِه چِيزِي خَرَيْدِي؟ - قَمِيصًا وَسُرُوَالًا.. پِيْرَاهِنِ وَشَلْوَارِ

مَبْرُوكٌ. مَلَابِسٌ جَمِيْلَةٌ اِيفِي اَمَانِ اللّٰه. مَبَارَكِ اسْت. لِبَاسِ هَاي زِيْبَائِي اسْت! خِدَا حَافِظِ

شُكْرًا جَزِيْلًا. مَعَ السَّلَامَةِ. بَسِيَارِ مَشْكُورِم. بِه سَلَامَتِ

فعل ماضی (۱) صفحه ۴۳

۱- چه چیزی خوردی؟ سیب خوردم. ۲- چه خواندی؟ اشعار را خواندم.

بدانیم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده اید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت می کند مانند: «رفتم: ذَهَبْتُ» به جمله های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد	من انجام دادم	أَنَا فَعَلْتُ
دوم شخص مفرد	تو انجام دادی	أَنْتَ فَعَلْتَ (مذکر)
دوم شخص مفرد	تو انجام دادی	أَنْتِ فَعَلْتِ (مؤنث)

پاسخ تمرین اول صفحه ۴۵ ۱- ای مسافر آیا به هتل رفتی؟ نه؛ به بازار رفتم. فعل ماضی: ذَهَبْتُ - ذَهَبْتُ

۲- چه چیزی شستی؟ لباس هایم و لباس های خانواده ام را شستم. فعل ماضی: غَسَلْتُ - غَسَلْتُ

۳- پیراهنت را از کجا گرفتی؟ آن را از آنجا گرفتم. فعل ماضی: أَخَذْتُ - أَخَذْتُ



۴- چه چیزی خریدی؟ پیراهن زنانه و چادر خریدم. فعل ماضی: اشتریت - اشتریتُ

پاسخ تمرین دوم صفحه ۴۶ ۱- غَسَلْتُ ۲- رَفَعْتُ ۳- ذَكَرْتُ ۴- أَخَذْتُ ۵- أَكَلْتُ

پاسخ تمرین سوم صفحه ۴۶ ۱- طَّلَبُ ۲- أَلْفَانُ ۳- عَبَاءَةٌ ۴- رِسَالَةٌ ۵- غَسَلْتُ ۶- رَفَعْتُ ۷-
أَكَلْتُ ۸- قَمِيصٌ ۹- تَفَاحٌ ۱۰- ذَكَرْتُ ۱۱- رَخِيصٌ ۱۲- أَرْضٌ ۱۳- جَدَّةٌ